

متن پرسش

سلام استاد: بنده پس از مطالعه ی چند مطلب از عزیزان دکتر داوری، فردید و معارف و همین طور شما در باب غرب دچار حیرتی شده ام، دکتر داوری در کتاب «درباره ی غرب» می گوید: «غرب جلوه ای از تاریخ وجود است.» دکتر فردید در «مفرداتش» می گوید: تاریخ ۲۵۰۰ ساله ی غرب که همراه است با متافیزیک را تاریخ غفلت از وجود می دهند. مرحوم معارف هم همین مضامین را می گوید - و شما هم غرب (مدرنیته) را توهم می دانید. سوالم این است که تفاوت و تناقض سخن جناب داوری با بقیه اساتید چیست؟ آیا از نگاه دیگر است؟ آن نگاه دیگر چیست؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: منظور آقای دکتر داوری از وجود غیر از معنایی است که هایدگر و به تبع آن دکتر فردید در نظر دارند. منظور دکتر داوری از تاریخ وجود یعنی یک واقعیت تاریخی و تأکید ایشان در اکثر مقالاتشان آن است که غرب را به عنوان یک پدیده ی تاریخی نگاه کنیم که با تاریخی خاص در عالم ظهور کرده و این طور نیست که دل بخواهی بیاید و یا دل بخواهی برود. خطایی که روشنفکران رضاخانی کردند و فکر کردند می توانند با اراده ی خود، تجدد را در ایران شکل دهند. موفق باشید